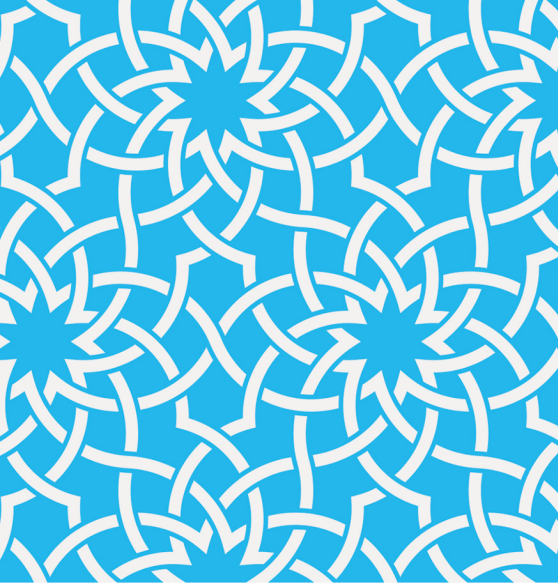




سخن سوم: راز موفقیت امام رحمة الله عليه

دو کار بزرگ امام خمینی رحمة الله عليه

اگر بخواهیم بگوییم امام رحمة الله عليه در دوران عمر شریفشان دو تا کار مهم و اساسی انجام دادند، یکی رهبری انقلاب اسلامی بود و دیگری مدیریت جنگ و جبهه.

اگرچه پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ و جبهه دو مقطع متفاوت هستند، اما مدیریت امام رحمة الله عليه، در هر دو کار مهم و اساسی، از یک ریشه و مبانی مشترک پیروی می کند. یعنی امام با همان مدل مدیریتی که انقلاب اسلامی را برپا کرد، با همان مدل جنگ و جبهه را مدیریت کرد.

مدل مدیریتی امام رحمة الله عليه چگونه بود؟

حالا مدل مدیریتی امام، چگونه بود؟ مدل مدیریتی امام در واقع راز موفقیت امام بود. مدل مدیریتی امام، برآمده از فقه امام و فهم عمیق امام از اسلام بود. این را نباید کسی انکار کند. یعنی وقتی ما می گوییم مدل مدیریتی امام، یعنی مدل مدیریتی اسلام، چون امام، فهم خودش از اسلام را در قالب مدیریت اجرایی و عملیاتی می کرد.

مدل مدیریتی امام علیه السلام، همان مدل مدیریتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

مدیریت امام، هم در جنگ و هم در انقلاب اسلامی، مبتنی بر مردم بود. این مدلی است که امام از اسلام فهمیدند. این همان مدلی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مدیریت کردند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم قبل از اینکه به مدینه بروند و آنجا را به وجود خودشان منور بکنند، عده‌ای از مردم مدینه با ایشان بیعت کردند که به بیعت «عقبه دوم» مشهور شد. یعنی هفتاد نفر از مردم مدینه که مسلمان شده بودند، پیش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند که ما حاضر هستیم از شما دفاع کنیم و شما را حمایت کنیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا - سر حمایت از خودشان - بیعتی را با آنها انجام دادند. بلافاصله بعد از اینکه بیعت انجام شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چه کار کردند؟ موعظه اخلاقی کردند؟ سفارش به نماز کردند؟ آیا فرمودند که بروید زمین مسجد را آماده کنید که من می‌خواهم بیایم آنجا مسجد بسازم؟! چه کار کردند؟

پیغمبر مردم مدینه را به گروه‌های ده نفر سامان دادند

بلافاصله دوازده نفر رئیس برای مدینه معین کردند! آقا یا رسول الله! کسی که از شما رئیس نخواستہ بود، آنجا خودشان رئیس داشتند و بالاخره یک‌طوری کارها را اداره می‌کردند. آقا یا رسول الله! هنوز که همه مردم مدینه مسلمان نشده بودند! برای آن شهر، چرا دوازده تا رئیس تعیین می‌کنید؟ الان برای شهرهای بزرگ‌تر از این هم یک نفر رئیس می‌گذارند! نه؛ نمی‌شود که برای یک جایی، رئیس تعیین نکنید، و بعد بروید آنجا کار

فرهنگی و معنوی بکنید. اسامی آنها هم توسط جبرئیل امین از آسمان آمده بود. به آنها می گفتند: «نقباء»^۱

بعد پیامبر ﷺ مردم مدینه را به گروه‌های ده نفری تقسیم کردند، و برای هر کدام یک سرگروه قرار داد که نام آنها «عریف» بود و عریف‌ها هم سرگروه‌هایی داشتند که «نقیب» نام داشت و آن نقیب‌ها با پیامبر ارتباط داشتند و وسیله مدیریت پیامبر ﷺ بر شهر مدینه بودند، یعنی پیامبر اکرم ﷺ مردم را تشکیلاتی کردند و شهر مدینه را به صورت تشکیلات اداره می کردند.

امیرالمؤمنین علیه السلام تشکیلات مردمی داشت

امیرالمؤمنین علیه السلام مدل مدیریتی خودش مبتنی بر مردم بود. ایشان تشکیلات مردمی داشت به نام «شرطه الخمیس»، شرطه الخمیس، برخی از یاران امیرالمؤمنین علی علیه السلام بودند که خیلی تسلیم حضرت بودند. حضرت به آنها فرموده بود که وقتی من چیزی به شما گفتم، شما دیگر اعتراض نکنید و بپذیرید و نگویید: «چرا؟!» البته معلوم است که امیرالمؤمنین علیه السلام کسی را اجبار نمی کرد که بیاید و جزء شرطه الخمیس بشود، بلکه آنها به خواست خودشان می آمدند.^۲

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَخْرِجُوا إِلَيَّ مِنْكُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا يَكْفُلُونَ عَلَيْكُمْ بِذَلِكَ كَمَا أَخَذَ مُوسَى مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا فَقَالُوا احْتَزَّ مِنْ شَيْئٍ، فَأَشَارَ جَبْرِئِيلُ ﷺ إِلَيْهِمْ فَقَالَ هَذَا نَقِيبٌ وَ هَذَا نَقِيبٌ» (اعلام البوری، ص ۶۰) و «ولا يجدن أحد منكم في نفسه أن يؤخذ غيره فإنما يختار لي جبرئيل» (طبقات الكبرى، ج ۳، ص ۴۵۲) و «اِحْتَارَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ أَمَتِهِ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا أَشَارَ إِلَيْهِمْ جَبْرِئِيلُ وَ أَمَرَهُ بِاخْتِيَارِهِمْ كَعَدَةِ نَقَبَاءِ مُوسَى ﷺ تِسْعَةً مِنَ الْخَزَرَجِ وَ ثَلَاثَةً مِنَ الْأَوْسِ» (خصال، ج ۲، ص ۴۹۱)

۲. روی الکشی بسنده عن الأصمغ قال له رجل كيف سميتم شرطه الخميس قال لأننا ضمنا له الريح وضمن لنا الفتح يعني أمير المؤمنين عليه السلام و في رواية قال لنا تشرطوا فوالله ليس اشتراطكم لذهب ولا فضة و ما اشتراطكم الا للموت» (أعيان الشيعة، ج ۷، ص: ۳۳۶)

در مدل حکمرانی اسلامی، مردم بیشتر از نخبگان نقش آفرین هستند
امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه راهبردی خودشان به مالک اشتر، مدل مدیریتی
مبتنی بر مردم سالاری دینی را شرح می دهند، می فرمایند:
«إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ
فَلْيَكُنْ صِغُوكَ لَهُمْ وَ مِيلُكَ مَعَهُمْ؛ همانا ستون دین، و جمعیت
مسلمانان، و مهیا شدگان برای جنگ با دشمن توده مردمند، پس
باید توجه و میل تو به آنان باشد.»^۱

ببینید در مدل حکمرانی اسلامی، مردم بیشتر از نخبگان نقش آفرین
هستند، حضرت قبل از این سخن، از نقش کم رنگ خواص حرف می زنند
و از نقش پر رنگ عوام سخن می گویند.

هدف امام از تشکیل حکومت این بود که مردم همه کاره باشند
امام از این مدل مدیریتی، الهام گرفت و این مدل را عملیاتی کرد و موفق
هم بود. اگرچه امام حکومت تشکیل داد اما حقیقتاً هدف از حکومت این
بود که مردم همه کاره باشند. در مدیریت امام مردم فقط نقش تحقق
حکومت را ندارند بلکه امتداد حکومت، حل مشکلات حکومت بدون مردم
امکان ندارد. محال هست.

چرا الان با وجود این همه دشمنی ها علیه انقلاب، انقلاب هنوز روی پا
ایستاده است؟ در مدل مدیریتی امام، مردم پای انقلاب خودشان هستند.
انقلاب را از آن خودشان می دانند. در مدل مدیریتی امام، مردم تشریفات
نیستند، اصل ماجرا هستند. امام مردم را برای انقلاب نمی خواست، امام
انقلاب را برای مردم می خواست.

^۱. نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر.

مدل مدیریتی امام، مردم محور است

فقه امام، فهم عمیق امام از اسلام، اسلام شناسی امام، او را به این مدل مدیریتی رسانده بود. مدل مدیریتی امام، مردم محور است.

حالا نقش حکومت چیست؟ حکمت تشکیل حکومت چیست؟ حکمت حکومت، قوی شدن مردم است. در فقه امام، مردمنده که باید قوی بشوند و مشکلات خودشان را، خودشان حل کنند.

چرا امام بسیج را طراحی کرد؟

از اول انقلاب دو مدل مدیریتی مطرح بوده است، یک مدل مدیریتی دولت محور هست، یک مدل مردمی محور. وقتی شما در مدیریت امام، جای مردم را محوری و حقیقی ببینید بعد می فهمید طرح امام برای بسیج چی بود؟ چرا امام بسیج را طراحی کرد؟ چرا فرمود ۲۰ میلیون بسیجی می خواهیم.^۱

عنصر اصلی بسیج، مردمی بودن آن است.

عنصر اصلی بسیج، که بدون آن بسیج، بسیج نیست، بدون آن، بسیج هویت خودش را از دست می دهد، آن عنصر اصلی چیست؟ عنصر اصلی بسیج، مردمی بودن آن است. بسیج سازمان مردمی است. تشکیلات مردمی است.

ما همیشه به بسیج نگاه امنیتی داشته ایم به خاطر دفاع مقدس، بیشتر نقش بسیج را در امنیت جامعه دیدیم در حالی که به قول رهبری، کارآمدترین نهاد مردمی می شود نامش «بسیج». نقش بسیج در اقتصاد چیست؟ در مدل مدیریتی امام، نه مردمی بودن بسیج را پررنگ دیدیم نه نقش بسیج را در اقتصاد دیدیم.

۱. امام خمینی (ره) در پنجم آذر ۱۳۵۸ فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی یا بسیج مستضعفین را صادر نمایند.

بسیج تحقّق مردم سالاری دینی است

اگر مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند تنها راه حل مشکلات، اقتصاد مقاومتی است و اقتصاد مقاومتی مردمی محور است، بسیج آن نهاد مردمی است که ظرفیت بزرگی برای حل مشکلات اقتصادی جامعه را دارد.

تشکیلات بسیج، تشکل مردمی بسیج اینها عباراتی هستند که هم به مردمی بودن بسیج و هم به تشکیلاتی بودن و کار جمعی بسیج اشاره دارند و چقدر خوب هست بسیج را این طوری ببینیم.

مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند:

«بسیج تحقّق مردم سالاری دینی است. ما که میگوییم مردم سالاری دینی یا مردم سالاری اسلامی، بعضی خیال میکنند این مردم سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن [تنها] یکی از جلوه‌های مردم سالاری دینی است. مردم سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالارِ زندگی جامعه، خود مردمند؛ مردم سالاری یعنی این؛ این معنای مردم سالاری اسلامی است. بسیج در همه‌ی عرصه‌ها مظهر مردم سالاری دینی و مردم سالاری اسلامی است. اگرچنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد میشود مردم سالار؛ همین که آقایان اینجا الان اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوّت و قدرت بسیج استفاده کند، میشود اقتصاد مقاومتی مردم سالار؛ در علم همین جور است، در پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی همین جور است، در سیاست همین جور است؛ مظهر مردم سالاری دینی، بسیج است.»^۱

۱. ۱۳۹۵/۰۹/۰۳ بیانات در دیدار بسیجیان.

حالا اگر از من و شما بپرسند بسیج کارکرد اصلی آن چیست؟ مردمی بودن بسیج، تشکیلاتی بودن بسیج. این دو صفت برجسته بسیج، بسیج را بی نظیر کرده است.

اگر مردم ما از کلمه بسیج یاد تشکیلات مردمی نیفتند، یعنی ما بسیج را خوب توضیح نداده ایم

اگر از من و شما بپرسند چرا ما عضو بسیج هستیم، اصلا مردم ما از کلمه «بسیج» یاد چه مفاهیمی می افتند؟ اگر مردم ما از کلمه بسیج یاد تشکیلات مردمی نیفتند، یعنی ما بسیج را خوب توضیح نداده ایم. بسیج جایی است که آدم ها یاد می گیرند کار جمعی و زندگی جمعی داشته باشند.

ما زندگی جمعی و کار جمعی بلد نیستیم و نمی خواهیم جمعی زندگی و فعالیت کنیم. زندگی جمعی، هم مربوط به اقتصاد است و هم مربوط به سیاست و هم به سبک زندگی. بدون زندگی جمعی اخلاق، فرهنگ، سیاست و... درست نمی شود. حتی حجاب هم به زندگی جمعی ربط دارد. وقتی من اهمیت ندهم که پوشش من چه تأثیری بر دیگران می گذارد، خودم را به رعایت حجاب ملزم نمی دانم و هر کاری بخواهم انجام می دهم ولی کسی که زندگی جمعی را یاد گرفته نمی تواند به دیگران و تأثیر افراد بر آرامش یکدیگر بی توجه باشد.

کدام نهاد و سازمان هست که به ما کار جمعی و زندگی جمعی را آموزش می دهد؟ بسیج جایی برای کار جمعی و زندگی جمعی است. مشکلات امروز بدون تشکیلات مردمی محال است حل شود، بهترین دولت ها، بدون نقش آفرینی مردم در حل مشکلات اقتصادی، نمی توانند مشکلات اقتصادی را حل کنند.

ما مشکلات منطقه را به مدل بسیج حل کردیم

ما مشکلات منطقه را به مدل بسیج حل کردیم، داعش را با مدل بسیج نابود کردیم. وقتی سامانه بسیج مردمی در عراق و سوریه شکل گرفت، داعش نابود شد. این قدرت مردم است، در ساختار بسیج. حالا چرا مشکلات اقتصادی خودمان را با بسیج حل نکنیم؟

ریشه قرآنی بسیج

ریشه قرآنی بسیج، قیدی است که بعدش می آید و ما معمولاً آن قید را نمی آوریم و خلاصه می کنیم، آن قید چیست؟ «بسیج مستضعفان»، مستضعفان چه کسانی هستند؟ خداوند متعال می فرماید مستضعفان دو تا ویژگی دارند یکی اینکه مدیریت زمین به آنها می رسد و دیگری اینکه آنها وارثان زمین هستند؛ فرمود:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!»^۱

منظور از مستضعفان، فقط اهل بیت علیهم السلام نیستند بلکه شیعیان هم در زمره مستضعفان قرار می گیرند. مستضعف اینجا به معنای ضعیف نیستند؛ بلکه مستضعفان یعنی کسانی که در اداره زندگی خودشان اختیاری ندارند. مردمی که در مدیریت زندگی خودشان نقشی ندارند، مستضعف هستند. طواغیت عالم، اگرچه همیشه شعار مردم سر داده اند، اما هیچ گاه به نفع مردم نبوده اند، منظور آنها از مردم، عده خاصی از مردم هست که همان سرمایه دارها هستند.

^۱. قصص، ۵.

وقتی امام می‌فرماید، بسیج مستضعفان، این عبارت ریشه قرآنی دارد. مهم‌ترین ویژگی این گروه، این است که در نهایت در قدرت و ثروت نقش آفرین هستند. این آیه دوباره به مردمی بودن بسیج اشاره می‌کند.

خداوند در آیه فوق می‌فرماید: ما می‌خواهیم مستضعفین را امامان و وارثان زمین قرار بدهیم! «نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ مستضعفانی که می‌خواهند امامان و وارثان زمین قرار بگیرند باید زمینه و ظرفیت داشته باشند چون قرآن می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲

خداوند متعال سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها ابتدا خودشان سرنوشت خودشان را تغییر بدهند و برای تغییر سرنوشت خودشان اقدام کنند.

مردم، رکن اول حل مشکلات

رکن اول حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شما مردم هستید. چرا پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین  همه مشکلات جامعه خودشان را حل نکردند؟ امیرالمؤمنین  فرمود:

«وَلَيْسَ أَمْرٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنْزِلَتُهُ وَ تَقَدَّمَ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ يَعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ هِيَ كُلُّهَا»^۳
قدر او در حق بزرگ، و ارزش او در دین بیشتر باشد، بی نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند»^۳

۱. قصص/۵.

۲. رعد، ۱۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶

یعنی مدیریت جامعه به دست امیرالمؤمنین باشد بدون مردم مشکلات حل نمی شود. مدیر جامعه به تنهایی کاری از دستش بر نمی آید. الان رهبر انقلاب که همه مشکلات را می دانند چرا مشکلات را خودشان حل نمی کنند؟ به دلیل اینکه سیستم ولایی اساساً این گونه است که سعی می کند مردم را «قدرتمند» کند تا مردم خودشان در یک «حرکت جمعی» بتوانند روی پای خود بایستند، یعنی میدان می دهد که خود مردم رشد کنند و قدرت پیدا کنند تا بتوانند مشکلات را حل کنند. این روش، تنها روش پایدار برای برقراری عدل در یک جامعه است.

اگر مردم، زندگی خود را، خودشان اداره کنند و روی پای خود بایستند، شاید نصف «قوانین مجلس» کاهش پیدا کند، چون بسیاری از قوانین برای کنترل فساد است، اما وقتی کار دست خود مردم باشد، فساد بسیار کم می شود و دیگر نیاز به این همه قانون نیست. از سوی دیگر نظارت قوه قضائیه هم به شدت کم می شود؛ چون مدیران، کار چندان دستشان نیست که قوه قضائیه بخواهد بر آنها نظارت کند.

چگونه مردم می توانند مشکلات خودشان را خودشان حل کنند؟

چگونه مردم می توانند مشکلات خودشان را خودشان حل کنند؟

تغییر در سبک زندگی جمعی اقتصادی: یکی از مدل های تغییر در سبک زندگی جمعی اقتصادی همین جریان بزرگ مواسات و رسیدگی به نیازمندان است که توسط مقام معظم رهبری علیه السلام مطرح شده و مردم اجرا می کنند.

امام صادق علیه السلام:

«مسلمانان باید که در پیوند با یکدیگر تلاش کنند و در مهرورزی به یکدیگر، همکاری نمایند و به نیازمندان کمک کنند و با یکدیگر با

عطوفت باشند، تا همان گونه که خداوند عزوجل به شما دستور داده است، نسبت به هم مهربان و رحیم باشید، و برای آنچه از امور آنان که از شما فوت شده است [و نتوانسته‌اید گرفتاری آنان را برطرف سازید و به وظیفه خود در قبالشان عمل کنید]، اندوهگین شوید، درست همان طور که گروه انصار در زمان پیامبر خدا بودند.»؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ فِي التَّوَاضُّعِ، وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ، وَ الْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ، وَ تَعَاظُفِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) مُتَرَاحِمِينَ، مُعْتَمِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ، عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام»^۱

رابطه با ولایت مداران رکن دوم ولایت مداری

ما معمولاً ولایت مداری را خلاصه می‌کنیم، در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با اولیای خدا یعنی اهل بیت علیهم السلام. می‌گوییم ولایت مداری یعنی معرفت، محبت و اطاعت ولی خدا. حرف درستی است ولی آیا ولایت مداری به همین جا خلاصه می‌شود؟ یا نه! ولایت مداری یک ستاره‌ی دنبال داری است که به دوستان اهل بیت علیهم السلام هم می‌رسد؟ به نظر می‌رسد، ولایت مداری دو رکن دارد یکی رابطه با ولی و دیگری رابطه با ولایت مداران.

ما ولایت‌مداری را در دو بخش طولی و عرضی تفسیر می‌کنیم. رابطه طولی، همان تبعیّتی است که از ولایت داریم. و رابطه عرضی هم تبعیّتی است که از یکدیگر داریم؛ مؤمنین «أُولِيَاءُ بَعْضٍ» هستند.^۲

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه، ۷۱)

ما در بحث ولایت‌مداری در جامعه‌مان بیشتر یک بُعدش بحث می‌شود و آن ارتباط با ولی خدا است ولی از آن بُعد دیگر ولایت‌مداری که ارتباط عمیق با ولایت‌مداران و دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام است، کمتر سخن به میان می‌آوریم. و شما برای اینکه در ولایت‌مداری پرواز کنید نیاز به هر دو بال دارید.

کجا ما می‌توانیم این ولایت عرضی را محقق کنیم؟ بسیج جایی است که می‌توان این قله‌های اجتماعی دین و راه‌گشای اقتصاد و دنیای خودمان یعنی زندگی جمعی را فتح کنیم.

گلایه امام باقر علیه‌السلام: شما در راه ولایت ما برادری نکردید؛ معنای عمیق برادر بسیجی امام باقر علیه‌السلام در یک کلام کوتاه ولی پر مغز و پر معنا، گلایه بزرگی از پیروان خودشان را رسماً بیان می‌کنند و می‌فرمایند:

«شما در راه ولایت ما اهل بیت علیهم‌السلام برادری نکردید؛ بلکه به همین اندازه که همدیگر را به عنوان شیعه می‌شناسید با هم ارتباط دارید و بس؛ لَمْ تَتَوَاحَّوْا عَلَی هَذَا الْأَمْرِ وَإِنَّمَا تَعَارَفْتُمْ عَلَیْهِ»^۱

این توقع امام باقر علیه‌السلام از ماست. برادری.

قرآن می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۲

الان شما می‌روید بسیج، به شما می‌گویند برادر بسیجی. از بس این بحث برادری در دین ما جدی گرفته نشده است، خوب جا نیفتاده، در فرهنگ عمومی ما، برادر بسیجی را به عنوان تیکه برای مسخره کردن، استفاده می‌کنند، در حالی که خیلی معنای عمیق تری دارد.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۸.

۲. حجرات، ۱۰.

اگر ما معنای برادری را در بسیج خوب توضیح می‌دادیم، پدر و مادرها برای بسیجی شدن بچه‌های خودشان از هم سبقت می‌گرفتند. بسیج در ذهن خیلی‌ها شده است جایی برای گذراندن اوقات فراغت، بسیج جایی برای کم شدن دوران خدمت سربازی، در حالی که حقیقت بسیج این نیست، بسیج محل ترویج و تمرین فرهنگ برادری است. این فرهنگ برادری، در جبهه یک مدل زندگی کردن را در عالی‌ترین سطح روابط نشان می‌داد. آنها حاضر بودن برای هم جان بدهند، همان چیزی که دو ملک مقرب خدا حاضر نشدند اینکار بکنند.^۱ در شب هجرت پیامبر ﷺ که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به جای پیامبر به عنوان برادر پیامبر و جان پیامبر در جای پیامبر خوابیده بود.^۲

برای حاج همت سپر انسانی ایجاد کردند

آن رزمنده نقل می‌کنند که شب عملیات خیبر بود. داشتیم بچه‌ها را برای رفتن به خط آماده می‌کردیم. حاج همت هم دور بچه‌ها می‌گشت و پا به پای ما کار می‌کرد. درگیری شروع شده بود. آتش عراقی‌ها روی منطقه بود. هر چی می‌گفتیم «حاجی! شما برگردین عقب یا حداقل برین توی سنگر.» مگر راضی می‌شد؟ از آن طرف، شلوغی منطقه بود و از این طرف، دل‌نگرانی ما برای حاجی. دور تا دورش حلقه زده بودند. این‌جوری یک سنگر درست کرده بودند برای او. حالا خیال همه راحت‌تر بود. وقتی فهمید بچه‌ها برای حفظ او چه نقشه‌ای کشیده‌اند، بالاخره تسلیم شد. چند متر

۱. «أَوْحَى اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) إِلَى جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) أَنِّي قَدْ أَخَيْتُ بَيْنَكُمَا وَجَعَلْتُ عُمَرَ أَحَدِكُمَا أَطْوَلَ مِنْ عُمَرِ صَاحِبِهِ فَأَيُّكُمَا يُؤَيِّرُ أَخَاهُ فَيَكْلَاهُمَا كِرْهًا الْمَوْتَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمَا: عُبْدِي الْأَكْثَمُ مِثْلَ وَلِيِّي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَخَيْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَبِيِّي فَأَتَرَهُ بِالْحَيَاةِ عَلَى نَفْسِهِ»، (امالی طوسی، ص ۴۶۹)

۲. «فَلَمَّا أَخْبَرَهُ جَبْرِئِيلُ ﷺ بِأَمْرِ اللَّهِ فِي ذَلِكَ وَوَحْيِهِ، وَ مَا عَزَمَ لَهُ مِنَ الْهَجْرَةِ، دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا ﷺ، وَقَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ، إِنَّ الرُّوحَ هَبَّطَ عَلَيَّ بِهَذِهِ الْآيَةِ آتِفًا، يُخْبِرُنِي أَنَّ قُرَيْشًا اجْتَمَعُوا عَلَى الْمَكْرِ بِي وَ قَتْلِي، وَ أَنَّهُ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي (عَزَّوَجَلَّ) أَنَّ أَهْجَرَ دَارٍ قَوْمِي، وَ أَنَّ أَنْطَلِقَ إِلَى غَارٍ تُورِ تَحْتَ لَيْلَتِي، وَ أَنَّهُ أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمَبِيتِ عَلَى ضِجَاعِي»، (امالی طوسی، ص ۴۴۵)

آن طرف‌تر، چند تا نفر بر بود. رفت پشت آن‌ها.^۱ چرا بچه‌های رزمنده، یک سپر انسانی ایجاد کرده بودن برای شهید همت؟ این عمق فرهنگ برادری است. حاضر هستند برای هم جان بدهند، جان فشانی کنند. ریشه فرهنگ بسیجی، فرهنگ برادری است. فرهنگ جمع‌گرایی است. فرهنگ مردمی بودن است. اینها در کنار هم بسیج را کارآمدترین نیروی انقلاب اسلامی می‌کند. امیدوارم روزی با مدل بسیج مستضعفان، جهان را آباد و آزاد کنیم. بسیج، مدلی برای حل مشکلات امروز است.

^۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، دسترسی در: «<https://noo.rs/gvVLH>»